

ارکان نظریه تربیت اسلامی تمدن ساز در اندیشه استاد مطهری

محمد امین دباغیان^{1*}

سیده نرگس حسینی²

چکیده

جنبش بیداری اسلامی با هدف استقرار نوعی نظام سیاسی بر پایه اسلام اصیل شکل گرفت. با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی، این هدف شکل عملی به خود گرفت و پا به مرحله بعد یعنی تمدن سازی گذاشت. تمدن اسلامی، تمدنی دینی و بر محور اسلام خواهد بود. برای ایجاد این تمدن نیاز به تربیت نسل مستعد که توانایی های بالقوه ایجاد آن تمدن را دارا باشد، است. این تربیت دارای ارکان و ابعاد خاصی باید باشد. در این راستا، استاد شهید مطهری در آثار خود، ویژگی های متعددی برای تربیت اسلامی بر شمرده است. پژوهش حاضر به منظور شناخت ارکان نظریه تربیت اسلامی استاد شهید مطهری، به روش کیفی و از نوع توصیفی تحلیلی (تحلیل محتوای کیفی) و استنباط قیاس عملی شکل گرفت. طبق یافته های پژوهش، نظریه تربیت اسلامی استاد شهید مرتضی مطهری بر 5 رکن پرورش ((اندیشه، استعداد های باطنی، فضایل نفسانی، اخلاق و روحیه تعبد)) استوار است.

واژه های کلیدی: بیداری اسلامی، تمدن اسلامی، تربیت اسلامی، شهید مطهری

مقدمه

*1. نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد مهندسی معماری. موسسه آموزش عالی کوثر، قزوین. ایران

هنرآموز، اداره (آ.پ) رودهن، اداره (آ.پ) شهرستان های استان تهران. وزارت (آ.پ) ج. ا. ایران

amin.dabbaghian@yahoo.com

². کارشناسی ارشد معماری داخلی. دانشگاه آزاد اسلامی. پردیس. ایران

narges_hb17@yahoo.com

بیداری اسلامی اصطلاحی است که برای بیان جنبشی مبتنی بر آگاهی (نسبت به اصول رهایی بخش اسلام)، عمل سیاسی (اقدام برای تغییر شرایط موجود برای نیل به وضعیت مطلوب) و بر بنیاد اسلام خواهی (مبتنی بر اهمیت و اولویت عنصر تکلیف دینی بر منافع زودگذر پیرامونی) شکل گرفته و هدف از آن استقرار نوعی نظام سیاسی است. (افتخاری، 1391) بیداری اسلامی در ایران از عصر قاجاریه شروع و با پیروزی انقلاب اسلامی با رهبری امام خمینی (ره) در سال 1357 ه.ش به اوج رسید و باعث بیداری اسلامی در جهان عرب گردید (اکبری و همکاران، 1394). در تربیت اسلامی، هدف اساسی و غایی تربیت، الهی شدن آدمی است. برای رسیدن به این هدف، استعدادهای عالی انسان که در خلقت او قرار داده شده است، باید رشد کند و فعلیت یابد. تعلیم و تربیت نه تنها در اسلام و ایران بلکه مبحثی است که در تمام مکاتب فکری و در اکثر کشورهای جهان مطرح بوده و نیز هست. متأسفانه تعلیم و تربیت اسلامی نزد خود مسلمانان مهجور مانده است و تنها زمانی از آن یاد می‌کنند که کشورهای دیگر با تحقیق و پیگیری مطالبی منطقی، نکات تربیتی خاصی را به عنوان اصول تعلیم و تربیت خود مطرح می‌سازند (احمدی و همکاران، 1395).

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تأسیس حکومتی دینی و اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآنی، ضرورت تغییر بنیادین در تمام نظامات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بویژه در تعلیم و تربیت کشور احساس می‌شد. این ضرورت هم به لحاظ ماهیت فرهنگی و معنوی انقلاب و هم به لحاظ تأثیرپذیری سایر نظامات از نظام تربیتی بود؛ این در حالی بود که آموزش و پرورش بجا مانده از دوران قاجار و پهلوی، روستا و تقلیدی از نظام تعلیم و تربیت کشورهای غربی بود که با اعتقادات و فرهنگ اصیل مردم مسلمان هماهنگی نداشت؛ زیرا نظام تربیتی غرب بر اساس نوعی جهان بینی و فلسفه خاص شکل گرفته است و نمی‌تواند با اصول و مبانی جامعه اسلامی هماهنگی داشته باشد (شکریان، 1388).

بر همین اساس، تبیین مبانی، اهداف، اصول و روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی با استفاده از منابع اسلامی بسیار لازم و ضروری است؛ اما با توجه به اینکه هر کسی نمی‌تواند مسائل اساسی جهان بینی را از منابع و متون دینی به آسانی استخراج کند و نظام فلسفی و تربیتی پدید آورد، لازم بود به نظر عالمان دینی و حکمای الهی و مسلمان مراجعه کرد که مقبولیت لازم را دارا باشند. برای تحقق این

هدف، آشنایی با مبانی استنباط و اجتهاد در علوم اسلامی و تسلط بر مقدمات تحقیق در قرآن و احادیث و آگاهی از نظریات تربیتی دانشمندان تعلیم و تربیت در اسلام و جهان لازم و ضروری است(صالحی و همکاران، 1394).

علامه شهید مرتضی مطهری که در خصوص تربیت انسان نیز دیدگاه‌هایی دارد که با الهام از مکتب تربیتی اسلام معتقد است: "تربیت، پرورش استعدادهای درونی و به فعلیت درآوردن آنها است" استنباط کرد که رعایت آنها رسیدن به اهداف تربیت اسلامی را ممکن می‌سازد(احمدی و همکاران، 1395). لذا بررسی و ارائه نظرات ایشان می‌تواند فضای فکری مشخصی را در تربیت اسلامی به وجود آورد و به کاوشگران عرصه تعلیم و تربیت یاری رساند(صالحی و همکاران، 1394).

بیان مسئله

تمدن، برقراری نظم و هماهنگی میان روابط انسان‌های یک جامعه است؛ به صورتی که تضادهای و تزاخم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را جایگزین آنها می‌نماید و در نهایت، زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به فعلیت رسیدن استعدادهای سازنده آنها می‌شود. صاحب نظران، تمدن اسلامی را، یک نظام کلان اجتماعی می‌دانند که مبتنی بر دو رکن است: جهان بینی معین(اسلامی) و نظام تاریخی مشخص. جهان بینی اسلامی شاکله خرد نظام‌ها را می‌سازد و ساختار و محتوای همه خرد نظام‌ها متأثر از اوست. این پرسش مطرح است که شکل‌گیری چنین تمدنی چگونه ممکن می‌شود؟

انقلاب اسلامی در ایران، نقطه آغاز تحقق تمدن نوین اسلامی به شمار می‌رود. رویکرد تمدن‌گرا، به دنبال تکوین نظم و امنیتی جدید، متناسب با آرمان‌های انقلاب اسلامی با تمام لوازم تمدنی آن در عصر حاضر است؛ مسئله تحقق تمدن اسلامی در حال حاضر، مسئله نخبگان و اندیشمندان مسلمان بوده و الگوسازی برای حرکت تکاملی انقلاب اسلامی در گرو مفهوم‌سازی و نظریه‌سازی در مقیاس تمدنی است (سلطانی و همکاران، 1398).

مقام معظم رهبری معتقدند که برای ایجاد تمدن اسلامی - مانند هر تمدن دیگر - دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر و حرف نو

(بر اساس منابع اصیل اسلامی) که در محیط‌های گوناگون علمی و روشنفکری روی می‌دهد و دیگری، پرورش انسان(مقام معظم رهبری، 14/07/1379) به عبارت دیگر، راه برافراشتن پرچم تمدن نوین اسلامی ((تربیت)) نسلی متناسب با نیازهای این تمدن است. (مقام معظم رهبری، 28/07/1395) در این رهگذر، شناخت و بازخوانی اندیشه شخصیت‌های این جریان انقلابی، بسیار ضروری و راه گشاست(سلطانی و همکاران، 1398) شاید گویا ترین تعبیر در درک فضایل استاد شهید مطهری ، توصیف رهبر حکیم انقلاب از ایشان باشد که فرمود: "آقای مطهری عقبه فکری انقلاب ماست"(1395- www.rajanews.com).

در اندیشه شهید مطهری تعلیم و تربیت اسلامی، بحث ساختن انسان‌هاست و مکتب اسلام مکتبی مشخص با هدف‌هایی معین است که برای دستیابی به این اهداف در زمینه تعلیم و تربیت اسلامی، انسان را محور اصلی می‌داند ؛ انسان‌هایی که جامعه انسانی را می‌سازند . از آنجاکه در مقدمه و ابزاری برای ساختن اجتماع، و نیز یکی از اهداف مهم تعلیم و تربیت اسلامی است در اولویت قرار دارد. افراد در جامعه اسلامی هم باید آموزش ببینند و هم پرورش پیدا کنند و اسلام راه‌های صحیح این امر را به ما نشان داده است (مطهری، 1386).

اهداف پژوهش

موضوع این پژوهش و ضرورت آن احساس شد که در آن دغدغه اصلی پژوهشگران این است که با نگاهی جامعه‌نگر به اندیشه شهید مطهری در شمایی کلی اهداف، اصول و روش‌های تربیتی برمبنای دیدگاه اسلامی وی در مورد معرفت، ارزش انسان مشخص، استخراج و تبیین شود.

به پژوهش با هدف ((ارکان نظریه تربیت اسلامی شهید مطهری)) شکل گرفته است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش، کیفی و از نوع توصیفی تحلیلی(تحلیل محتوای کیفی) و استنباط قیاس عملی است. تحلیل محتوا، شناخت و برجسته کردن محورها و خطوط اصلی هر متن یا متون مکتوب با هدف فراهم آوردن

تحلیلی توصیفی است (ساروخانی، 1378). همچنین تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش پژوهشی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظامند، کدبندی و تمساز یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست. بنابراین روش تحلیل محتوای کیفی، روشی برای جستجوی ارتباط میان مفاهیم مختلف و بازشناسی روابط و شبکه‌های مفهومی است. همچنین یکی از ویژگی‌های بنیادین پژوهش‌های کیفی نظریه پردازی به جای آزمون نظریه است (ایمان، 1390). چون محقق در این پژوهش با منابع مکتوب شهید مطهری و استخراج و دسته‌بندی جملات و مضامین مرتبط با موضوع تربیت اسلامی و مبانی تربیتی ایشان و سایر نویسندگان سر و کار دارد، روش پژوهش، تحلیل محتوای کیفی است. رویکرد قیاس عملی بر این فرض مبتنی است که در پرتوی نظریه‌های کلی و انتزاعی معرفت شناسانه، متافیزیکی و اخلاقی دیدگاه‌ها و مکاتب فلسفی، می‌توان رهنمودهای اساسی منطقی را در قالب آموزه‌های تربیتی استنباط و استخراج کرد (رهنما، 1389). در طرح پیش‌رونده با اتکا به مبانی فلسفی و تربیتی شهید مطهری در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی، حرکت و به استنتاج و مشخص کردن اهداف، اصول و روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی پرداخته شده است؛ همچنین به منظور گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شد. اسناد مورد تحلیل نیز شامل کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، نشریات داخلی و خارجی، سایت‌های معتبر علمی، نظر صاحب‌نظران و پیشینه مطالعاتی و پژوهش‌های انجام شده در این زمینه بوده است.

بیداری اسلامی

بیداری اسلامی اصطلاحی است که برای بیان جنبشی مبتنی بر آگاهی (نسبت به اصول رهایی بخش اسلام)، عمل سیاسی (اقدام برای تغییر شرایط موجود برای نیل به وضعیت مطلوب) و بر بنیاد اسلام خواهی (مبتنی بر اهمیت و اولویت عنصر تکلیف دینی بر منافع زودگذر پیرامونی) شکل گرفته و هدف از آن استقرار نوعی نظام سیاسی است (افتخاری، 1391).

در بیان مقام معظم رهبری - حضرت امام خامنه‌ای - "بیداری اسلامی یک حالت برانگیختگی و آگاهی در امت اسلامی است که در هم شکننده حصارهای استبداد و استکبار بوده و به تحولات و دگرگونی‌های بیرونی منجر شده است. بیداری اسلامی، سخن از یک مفهوم نامشخص، مبهم و قابل تأویل و تفسیر نیست؛ بلکه این مفهوم به

معنای یک واقعیت خارجی مشهود و محسوس است که فضا را انباشته و قیام‌ها و انقلاب‌های بزرگی را پدید آورده است. بیداری مبارک اسلامی با غافلگیر کردن شیاطین منطقه ای و جهانی، مهره های خطرناکی از جبهه دشمن را ساق کرده؛ اما لازم است با توکل بر خدا، درس آموزی از تجربیات تاریخ معاصر جهان اسلام و تکیه بر عقل، عزم و شجاعت، صحنه‌های هم‌چنان سیال، تحولات منطقه را مدیریت کرد و به سرانجام رساند" (بیانات در اجلاس بیداری اسلامی، 26/06/1390).

تمدن اسلامی

مقام معظم رهبری، آرمان نظام جمهوری اسلامی را در یک جمله کوتاه، ایجاد تمدن نوین اسلامی معرفی می‌کند (مقام معظم رهبری، 20/08/1394، 14/06/1392). تمدن اسلامی بیانگر همه جنبه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد (مدیریت حوزه علمیه قم، 1383). تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام می‌گردد. بدین ترتیب، تمدن اسلامی از همه ویژگی‌های تمدن الهی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (ص) برخوردار است و مؤلفه‌های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و غیره است (جان احمدی، 1388). به اعتقاد ابن‌نبی برای حصول تمدن اسلامی، باید مجموعه‌ای از شروط اخلاقی و مادی حاصل گردد. عناصر تمدنی در نگاه وی «انسان، خاک و زمان» است (بابایی، 1390). به اعتقاد زرین کوب «... جامعه اسلامی جامعه‌ای بود متجانس که مرکز آن قرآن بود...» (زرین کوب، 1384).

مقام معظم رهبری تمدن اسلامی را فضایی می‌داند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن اسلامی به این معنی است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است (بیانات مقام معظم رهبری، 22/03/1383). در این تعریف ابعاد گوناگون فرهنگ و تمدن مادی و معنوی بشر مطرح شده است

که منجر به تکامل او و قرب به خدا می‌شود. در جمع‌بندی آرای فوق، برای چنین تمدنی می‌توان شش شاخصه در نظر گرفت:

(1) متکی بر معنویت، خدا، تعالیم و هدایت الهی (بیانات مقام معظم رهبری، 20/08/1385، 19/09/1392)

(2) پیشرفت علم و فناوری و صنعت (بیانات مقام معظم رهبری، 03/02/1376، 25/06/1383، 20/08/1385)

(3) پیشرفت و اعتلای اقتصادی، رفاه و آبادانی (بیانات مقام معظم رهبری، 03/02/1376، 25/06/1383، 20/08/1385)

(4) توسعه عدالت، اخلاق، انصاف، عدالت اجتماعی (به معنای یکسان بودن فرصت‌های حرکت و پیشرفت و حقوق)، کم شدن فاصله‌های طبقاتی، برداشته شدن قله‌های اشرافی‌گری (بیانات مقام معظم رهبری، 11/05/1395، 05/02/1396، 20/08/1385)

(5) روابط اجتماعی مطلوب (ارتباطات سالم، کمک و همکاری، همزیستی مهربانانه مردم بایکدیگر) (بیانات مقام معظم رهبری، 20/08/1385)، محبت (بیانات مقام معظم رهبری، 05/02/1396) و زندگی همراه با عطوفت و رحمت و انسانیت (بیانات مقام معظم رهبری، 19/06/1376) عطوفت اسلامی، رفتار اخلاقی و انسان دوستانه با یهودی و مسیحی و مرؤت و رحمت و مدارای مسلمانها با دشمنان (بیانات مقام معظم رهبری، 23/07/1380)

۶. اقتدار سیاسی استقلال (بیانات مقام معظم رهبری، 03/02/1376) و عزت امت اسلامی (بیانات مقام معظم رهبری، 25/06/1383) قدرتمندی برای مقابله با امواج جهانی (بیانات مقام معظم رهبری، 20/08/1394)، ایستادگی در مقابل کفر و ظلم (بیانات مقام معظم رهبری، 05/02/1396)

تربیت

تربیت فرایندی جامع شامل تمام تلاش‌های زمینه‌ساز تحول اختیاری و آگاهانه آدمی است که به صورت امری واحد و یکپارچه، با تحول تمام ابعاد وجودی انسان، به مثابه یک کل، سر و کار دارد (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی ج.ا.ا. (لذا تربیت، تغییرات شناختی، نگرشی، عاطفی و رفتاری نسل جوان جامعه را با نظر به غایت مطلوب مورد نظر جامعه، میسر می‌سازد. برای ورود جدی و علمی به عرصه تمدن سازی و تربیت، نخست باید نسبت این

دو، یعنی رابطه میان علوم تربیتی و تمدن سازی به صورت دقیق، روشن و سپس بایدها و نبایدها برای نظام تربیتی کشور بحث شود.

رابطه بین تربیت و تمدن سازی

در زمینه ارتباط میان تربیت و تمدن سازی نوین اسلامی، تحقیقات اندکی در کشور صورت گرفته است. فرمehنی فراهانی و خاری آرانی (1394) نیز نقش تربیت دینی را در زمینه سازی تمدن نوین اسلامی بررسی کرده اند و دریافتند که تربیت دینی از طریق مؤلفه‌هایی چون: علم‌گرایی، آزادی، استقلال، کرامت و روش‌هایی چون: وحدت‌گرایی، قانون‌گرایی، عقل‌گرایی، جوان‌پروری و نظام سازی، زمینه تمدن نوین اسلامی را فراهم می‌کند.

نظریه تربیت اسلامی شهید مطهری

شهید مطهری، اسلام را دینی جامع و همه جانبه می‌داند که قرار است برای همه انسانها راهنما باشد؛ تعلیم و تربیت را نیز به عنوان بخشی از مکتب اسلام قابل بررسی گسترده می‌داند و برای آن اهمیت بسیاری قائل است. وی معتقد است در مکتب اسلام، قطعاً برنامه آموزشی مشخصی هست. هر مکتب که دارای هدف‌های مشخص است و مقررات همه جانبه‌ای دارد و به اصطلاح سیستم حقوقی، سیستم اقتصادی و سیستم سیاسی دارد، نمی‌تواند یک سیستم خاص آموزشی نداشته باشد (مطهری، 1386). نظریه تربیت اسلامی استاد شهید مرتضی مطهری بر پنج رکن اساسی مبتنی است:

1. رکن پرورش/اندیشه: نخستین رکن نظریه تربیت اسلامی، اهتمام به پرورش فکر و اندیشه آدمیان است. اسلام بر اصل علم آموزی و تعقل تأکید فراوانی کرده و علاوه بر آن درباره ویژگی‌های علمی که انسان‌ها باید در پی آموختن آن باشند نیز سخن گفته است (مطهری، 1386).

2. رکن پرورش/استعدادهای باطن: دومین رکن اساسی در نظریه تربیت اسلامی، پرورش است عادات‌های نهفته در وجود آدمی است. از اولویت‌های انسان‌شناسی اسلامی، این است که لوح وجود آدمی در آغاز تولد پاک و بی نقش نیست و خداوند در نهاد همه انبای بشر پیش از تولد آنها آداب و عقایدی را به ودیعه نهاده است. استاد شهید

معتقد است که بواقع تربیت چیزی جز پرورش دادن استعدادهاي باطن انسان‌ها نیست (مطهری، 1386).

3. رکن پرورش فضایل نفسانی: از دیگر ارکان نظریه تربیت اسلامی این است که در اثر آموزش صحیح، ملکات نفسانی در وجود آدمی متمکن می‌شود و روح انسان به آنها عادت می‌کند. بسیاری از نظریه پردازان بزرگ تربیتی در غرب عقیده دارند که عادت اصولاً و مطلقاً، ناپسند است؛ مثلاً روسو در کتاب امیل می‌گوید: امیل را باید عادت دهم که به هیچ چیزی عادت نکند (مطهری، 1386). اما در نظریه تربیت اسلامی، ایجاد عادات فعلی برای تربیت‌شوندگان جایگاه مهمی دارد و غفلت از آن روند تربیت دینی را تا حدود زیادی مختل خواهد کرد (اکبری و همکاران، 1394).

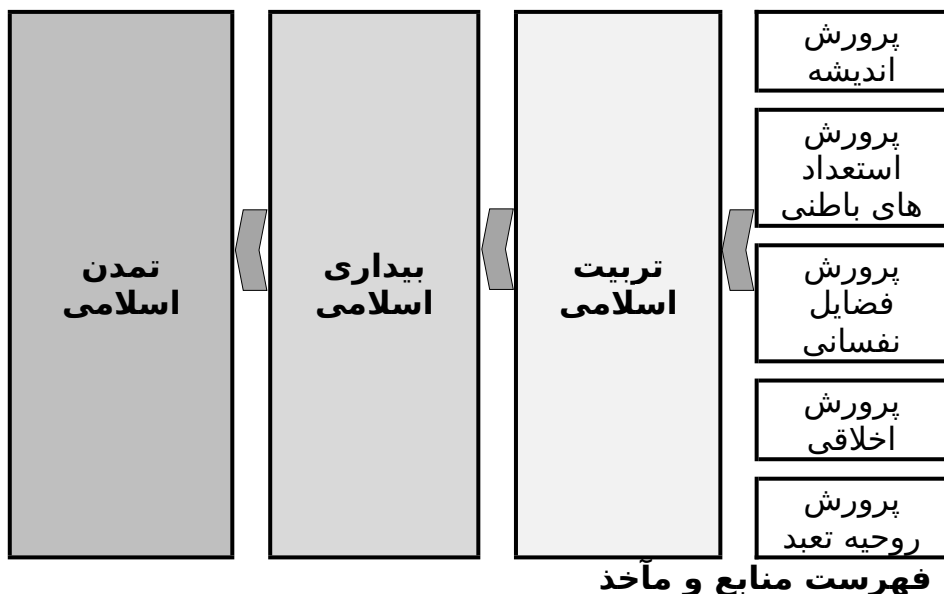
4. پرورش اخلاق: انسانی که به روش اسلامی تربیت می‌شود، باید موجودی اخلاقی از کار درآید و این یکی دیگر از ارکان نظریه تربیت اسلامی است (محمدی، 1380).

5. پرورش روحیه تعبد: نظریه تربیت اسلامی در یکی دیگر از شیئون خود بر مسئله عبادت مبتنی است. در تفکر اسلامی کمال غایی آدمی آن هنگام محقق می‌شود که او به مرتبه عبادت برسد و در هیچ حال و مقامی، از ذکر باری تعالی غافل نشود و رسیدن به این مستلزم نوعی خاص از سلوک روحی و جسمی است که جز در ضمن سیستم آموزشی و پرورشی دقیق ممکن نخواهد بود (محمدی، 1380).

نتیجه گیری

بیداری اسلامی یک جنبش بین مسلمانان با هدف استقرار نوعی نظام سیاسی بر پایه مبانی اسلام ناب است. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران این جنبش پویاتر می‌شود. تا جایی که هدف غایی انقلاب اسلامی ایجاد تمدن اسلامی می‌شود. تمدن اسلامی، تمدنی دینی بر محور اسلام است. تربیت اسلامی، زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی است. در طول تمدن اسلامی تربیت جاری قطعاً تربیت اسلامی خواهد بود. طبق یافته‌های پژوهش، نظریه تربیت اسلامی تمدن ساز در اندیشه استاد شهید مرتضی مطهری را در جدول شماره 1 به صورت مدون ارائه شده است.

جدول شماره 1: ارکان نظریه تربیت اسلامی تمدن ساز در اندیشه استاد مطهری



فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمی: تهران، انتشارات پیراسته.
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، بیانات
- احمدی، اسماعیل. رسالتگاری، سید محمد رضا خدادادی، هاتف، ذلیکانی، کمیل. (1395)، روش های تعلیم و تربیت اسلامی از منظر شهید مطهری، سومین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی. گرجستان. باتومی
- افتخاری، اصغر، (1391)، "بیداری اسلامی در نظر و عمل"، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تهران
- اکبری، مرتضی. رضایی، فریدون. (1394) "واکاوی شاخصه های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)" فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، دوره 3، شماره 5-شماره پیاپی 5، فروردین 1394، صص 85-108
- ایمان، محمدتقی. (1390). مبانی پارادایمی روشهای تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی. تهران: انتشارات حوزه و دانشگاه
- جان احمدی، فاطمه، (1388)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: انتشارات نشر معارف.

- رهنما، اکبر. (1389). نقادی رویکرد استنتاج در فلسف تعلیم و تربیت. کتابچه نخستین همایش فلسفه تعلیم و تربیت در ایران.
- زرین کوب، عبدالحسین، (1384)، کارنامه اسلام، چاپ نهم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- ساروخانی، باقر. (1378). روشهای تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سلطانی، مصطفی. فرمانیان، مهدی. روحی، نبی اله. (1398). "بنیان های فکری تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری" فصلنامه ی مطالعات راهبردی ناجا/ سال چهارم / شماره چهاردهم - زمستان 1398. صص 5-29
- شکریان، مریم (1388). مبانی تعلیم و تربیت از دیدگاه دو مفسر بزرگ معاصر. مجله کوثر. ش 29:30-36
- صالحی، اکبر. مرادی، امیر. فیروزی، اسماعیل. (1394)، نگاهی جامع به تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مرتضی مطهری با تاکید بر اصول، اهداف و روشهای تربیتی. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و دوم، دوره جدید، شماره 25، زمستان: 9-27
- فرمehنی فراهانی، محسن؛ خاری آرانی، مجید، (1394). تربیت دینی زمینه ساز تمدن نوین اسلامی، همایش ملی تمدن نوین اسلامی، تهران، دانشگاه شاهد.
- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، آذر، 1390.
- محمدی، مهدی. (1380). تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مطهری. مجله کیهان فرهنگی. شماره 181: 26-29
- مدیریت حوزه علمیه قم، (1383)، درآمدی بر آزاد اندیشی و نظریه پردازی در علوم دینی، قم: انتشارات مرکز حوزه علمیه قم.
- مطهری، مرتضی. (1386). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات صدرا

